

بدرند و متعاندان مصدق تحوی بان صلی الله علیه و سلم
قدوس و عظیم الشان و جبار و مجید و مبدی و معز و قهار

بدرند و متعاندان مصدق تحوی بان صلی الله علیه و سلم
قدوس و عظیم الشان و جبار و مجید و مبدی و معز و قهار

از زمره شعرا بشمارند و این واضح ترین دلیلست بر نفی
شاعران و بولنگان و بولنگان و بولنگان و بولنگان

مقام شعر و شعرا و علوم منزلت سحر آفرینان شعرا را
مقام شریفند و بولنگان و بولنگان و بولنگان و بولنگان

باید شعر بیان که چون ذریه
شعر و بولنگان و بولنگان و بولنگان و بولنگان

نفی نیست بهیچری که درند
بهر تصحیح نسبت قرآن
بشعر و بولنگان و بولنگان و بولنگان و بولنگان

تهمت او بشاعری کردند
شعر بر اقسامست چون
شعر و بولنگان و بولنگان و بولنگان و بولنگان

قصید و غزل و مشوی و قطعه و رباعی و شعر در مهار
قصید و غزل و مشوی و قطعه و رباعی و شعر در مهار

انها متفاوت بعضی متفنیند که بر جمیع این اقسام شعر کمال
تفاوت و بولنگان و بولنگان و بولنگان و بولنگان

و بعضی از آن قبیلند که میل طبع ایشان به بعضی از این اقسام
و بعضی از آن قبیلند که میل طبع ایشان به بعضی از این اقسام

بیشتر بوده است چون متقدمان که اهتمام ایشان بقصاید
بیشتر بوده است چون متقدمان که اهتمام ایشان بقصاید

بوده است در مدایح و مواعظ و غیر آن و اهتمام بعضی
شاعران در مدایح و مواعظ و غیر آن و اهتمام بعضی

مسک

مثنوی بخلاف متقدمان که سخنان ایشان اکثر بر طریق غزل
مثنوی بخلاف متقدمان که سخنان ایشان اکثر بر طریق غزل

واقع شده است و عدد اینها بقاعه از حد حصص بیرون نیست
واقع شده است و عدد اینها بقاعه از حد حصص بیرون نیست

و در کتب تفصیل ایشان از قاعده احاطه متجاوزان لایم هم بردگی
و در کتب تفصیل ایشان از قاعده احاطه متجاوزان لایم هم بردگی

جدید از مشاهیر ایشان اقتضای کرده می شود
جدید از مشاهیر ایشان اقتضای کرده می شود

و بی از ما و مراد از شعر است و از ما در نایبنازاده است
و بی از ما و مراد از شعر است و از ما در نایبنازاده است

اما چنان که در تین فیه بود که در هشت سال قرآن بتمام
اما چنان که در تین فیه بود که در هشت سال قرآن بتمام

حفظ کرد و قراءت بیاموخت و شعر گفت و بولنگان
حفظ کرد و قراءت بیاموخت و شعر گفت و بولنگان

حسن صوت در مطربیه افتاد و عود بیاموخت و در آن
حسن صوت در مطربیه افتاد و عود بیاموخت و در آن

ماه شد و نصر بن احمد سامانی او را ترنم کرده است
ماه شد و نصر بن احمد سامانی او را ترنم کرده است

گویند که او را دوست غلام بود و چهار صد شتر در زیر
گویند که او را دوست غلام بود و چهار صد شتر در زیر

دخت و بار او میرفت و بعد از وی هیچ شاعر این مکتب
دخت و بار او میرفت و بعد از وی هیچ شاعر این مکتب